

وضعیت دموکراسی

(آگاربن بدیو، بن سعید، براون، نانس، رانسیر، راس، ریڈک)

ترجمہ محمد رضا شین



تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سهراه طالقانی،

خیابان نیرو، شماره ۷/۱ واحد ۱۲

تلفن: ۷۷۶۲۶۳۷۹

وضعیت دموکراسی

ترجمه‌ی محمدرضا شیخی

• ویرایش ادبی و فنی: علی قاسمی

• چاپ اول ۱۳۹۶ تهران • شمارگان ۱۱۰۰ نسخه • قیمت: ۱۵۵۰۰ تومان

• حروف و صفحه‌آرا: افسانه شاه‌کرمی • لیتوگرافی: پویش • چاپ و صحافی: ترانه

• طراح جلد: حسن کریم‌زاده

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۱۷-۵۷-۶ ISBN 978-964-6917-57-6

Printed In Iran ورق چاپی و ناشر برای ناشر محفوظ است

عنوان و نام پدیدآور : وضعیت دموکراسی / آگامبن، [و دیگران]؛ ترجمه‌ی محمدرضا شیخی

محمدرضا شیخی، ویرایش ادبی و فنی: علی قاسمی

تهران: گام نو، ۱۳۹۶

۱۹۸ ص: مصور، عکس

۴۱۹۸۲۸۵ :

۹۷۸-۹۶۴-۶۹۱۷-۵۷-۶ ۱۵۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

عنوان اصلی : Démocratie, quel état?, c2009

[مؤلفین] آگامبن، بدیو، بن‌سعید، پراون، تانزیل، راس، ژیزک.

کتاب حاضر با عنوان «حال و روز دموکراسی» ترجمه‌ی محمدرضا شیخی و محمدرضا شیخی

توسط نشر چشمه در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است

کتابنامه:

حال و روز دموکراسی.

دموکراسی - فلسفه

Démocracy—Philosophy :

آگامبن، جورجیو، ۱۹۴۲ - م.

Agamben, Giorgio :

شیخی محمدرضا، ۱۳۵۳ -، مترجم

۴۲۳ RM ۱۳۹۵ ح ۲ /

۳۲۱/۸ :

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۴۵۹۲۶

فهرست

۷.....	مقدمه‌ی مترجم
۱۱.....	پیش‌گفتار
۱۵.....	یادداشتی مقدماتی در باب مفهوم دموکراسی: جورجو آگامبن
۲۳.....	نشان دموکراسی: آلن بدیو
۳۹.....	رسوایی مدام: دانیل بن‌سعید
۸۵.....	فعال‌همدی ما دموکرات هستیم: ون‌دی براون
۱۰۷.....	دموکراسی پایان یافته و دموکراسی بی‌پایان: ژاک نانس
۱۳۱.....	دموکراسی علیه دموکراسی‌ها: ژاک رانسیر
۱۴۱.....	حراج دموکراسی: کریستین راس
۱۶۷.....	از دموکراسی تا خشونت ناب: اسلاوی ژیزک

مقدمه‌ی مترجم

حکایت دموکراسی در دنیای امروز حکایت عشق است: از هر زبان که می‌شنوی نامکرر است؛ یعنی با تلخی‌ها و شیرینی‌ها، و دیگری با بلا تکلیفی‌ها، سردرگمی‌ها و تفسیرپذیری‌ها؛ و این حکایت نه دامن‌گیر ما که اقصی نقاط عالم را درگیر خود کرده است. انگاره‌ی دموکراسی به مثابه یکی از کهن‌ترین آشکال حکومتی در اندیشه‌های سیاسی به دایره کلی از جانب فیلسوفان سیاسی، مورد بازاندیشی و بازنگری، و در مواقعی مورد تردید قرار گرفته است. هرچند کژتابی و سیالیت مفاهیم در عرصه‌ی علم اجتماع دموکراسی را نیز در بر می‌گیرد، غالب اندیشمندان براین باور سخت‌آوردند که دموکراسی معقول‌ترین شکل حکومت است که در درازمدت به نفع بشری خردمندان می‌انجامد. از این حیث، دموکراسی از دیرباز به مثابه یکی از آشکال حکومت، پیوسته مطرح بوده است. از آن هنگام که پریکلِس یونانی دموکراسی را "حکومت مردم" خواند تا به امروز که سده‌ها از طرح این مفهوم می‌گذرد، هم‌چنان به مثابه مقوله‌ای بنیادین، دغدغه‌ی متفکران و فیلسوفان سیاسی بوده و هست. از یک سو هر کدام از اصحاب مکاتب سیاسی، با عنایت به اهمیت مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای دموکراسی بدان اندیشیده‌اند و از سوی دیگر، اکثر رژیم‌های سیاسی، فارغ از نوع حکومت حاکم، خود را طرفدار

دموکراسی و خواهان تقویت و تحکیم آن خوانده‌اند و می‌خوانند. هرچند معنای واژه‌ی یونانی دموکراسی برگرفته از دِموس (مردم) و کراتوس (زمام‌داری و حکومت) است، اما پشت این ظاهر ساده و آسان‌فهم انواع تفسیرها و تعبیرها و تاویل‌ها نهفته است. مشکل هم درست از جایی آغاز می‌شود که همه‌ی مردم نمی‌توانند بر همه‌ی مردم حکومت کنند و باید به‌ناچار دست به‌گزینش بزنند و انتخاب کنند؛ اما معیارهای گزینش و انتخاب بار دیگر راه را بر انواع تفسیرها و تعبیرها باز کرد و دری که چارچوبش در دوره‌ی باستان و با تعاریف ارسطو و افلاطون از دموکراسی بنا نهاده شد، هنوز هم بر همان سنه می‌برخند، گیرم در برهه‌ای از زمان قفلی بر آن زده و در برهه‌ای دیگر تا آنجا باز شده باشند.

در پیش‌کف‌آر کتاب به این نکته تاکید شده که فکر اصلی انتشار چنین اثری، ارائه‌ی پاسخ‌های متنازع و گاه متضاد درباره‌ی شناخت وضعیت امروزین دموکراسی از زبان کسانی است که ایده‌هاشان درباره‌ی دموکراسی با گفتمان رایج همسو نیست، اما این‌طور سم است که همگی صرفاً بر طبل مخالفت با آن بکوبند. بدیهی است که قرار نیست ارائه‌ی چنین ایده‌هایی بازتاب دهنده‌ی تعاریفی جدید از دموکراسی باشد؛ هدف آن است که این واژه به حال خود رها نشود، زیرا هم‌چنان محوری است که اصلی‌ترین نقاط گویی‌ها در باب سیاست حول آن می‌چرخند. پس در همین گام نخست باید به تکلیف را با خواننده‌ای که در جستجوی تعاریف یا معانی جدیدی درباره‌ی دموکراسی است، روشن کرد. این کتاب صرفاً گردآوری مقاله‌هایی پراکنده در نشریات، پایگاه‌های اینترنتی یا کتاب‌های دیگر نیست، بلکه حاصل پاسخ‌های هشت اندیشمند معاصر غربی به پرسشی است که در مقدمه‌ی کتاب مطرح شده است. همین امر نشان دهنده‌ی این است که، هنوز هم که هنوز است، دغدغه‌ی دموکراسی‌راستین حتی در خاستگاه آن، برخی ذهن‌های خلاق را درگیر خود کرده است و هر یک به برداشت‌ها و سوء برداشت‌ها از آن مشغول هستند.

آشنایی با دموکراسی در ایران چندان دیرپا نیست و تاریخی نهایتاً صد ساله

پس پشت آن است؛ اما همین آشنایی اندک که ممکن است سبب تحول در سرنوشت مردمان یک جامعه شود قرار نیست به سادگی به پوته‌ی آزمایش سپرده شود و هر بار به فراخور حال و احوال مردمان جامعه، مبین پیروزی باشد یا شکست. هر شکست احتمالی اگر نگوییم سال‌ها جامعه را به عقب خواهد راند، دست‌کم تا مدت‌ها راه را بر تجربه‌ای دیگر خواهد بست. در نگاهی کلی به تاریخ، جامعه‌ی ایرانی فقط گامی در راه دموکراسی نهاده است و هنوز بچ تعریف و تأویل و تعبیر مشخصی برای معنابخشی به این انگاره ندارد. پس گریز و گریزی از نگاه به خاستگاه دموکراسی نداریم. دموکراسی در غرب بدو رعم رانسیر قدمتی به درازای سیاست دارد؛ یعنی همان هنگام که اندیشمندان باستان تصمیم گرفتند چاره‌ای برای اداره‌ی امور خود ببیند، دموکراسی نیز با این اندیشه همراه شد؛ هرچند، گاه توهین‌آمیز بود و رسوایی‌برانگیز؛ و گاه مغفوب بود و مغضوب؛ و در خلال این روزها و سال‌ها و قرن‌ها، سبب دموکراسی چهره‌ها خورده است؛ تا آن‌جا که برخی می‌گویند امروز در غرب، حاملان و عاملان آن سود به مناسلی بر سر راهش بدل شده‌اند. شاید ترجمه‌ی کتاب‌هایی از این دست و بازاندیشی درباره‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دیگران، ما را از تکرار تجربه‌های مشابه و بهر بسا تلخ باز دارد.

مقاله‌های حاضر حاصل پاسخ‌های اندیشمندان یاد شده به وضعیت دموکراسی است که پنج تن از آنان یعنی آلن بدیو، جو، جی، گامبن، ژاک رانسیر، ژان لوک نانسی و البته اسلاوی ژیژک در ایران شناخته شده‌اند و سه تن دیگر یعنی دانیل بن سعید، کریستین راس و وندی براون هستند. گروه نخست معروف نیستند. از این‌رو مترجم امیدوار است که چاپ مقالات این کتاب برای خوانندگانی که آشنایی چندانی با دیدگاه‌های متفکران یاد شده در خصوص دموکراسی و نسبت‌هایش ندارند، مفید باشد.

در مسیر ترجمه‌ی این اثر تمام تلاش خود را به کار برده‌ام تا اولاً به لحن و سبک هر یک از نویسندگان وفادار بمانم و در عین حال تا آن‌جا که به مفاهیم اصلی ضربه‌ای وارد نشود، مقاله‌ها را حتی‌الامکان به فارسی روان ترجمه کنم؛ رعایت این دو اصل در برخی موارد باعث می‌شود که خواننده برای درک کلام با دشواری‌هایی مواجه شود که البته سهم عمده‌ی آن به کم‌تجربگی صاحب این قلم بازمی‌گردد. در این راه کاستی‌ها کم نبوده‌اند، اما امید است خوانندگان با ارائه‌ی نظر‌ها یا راه‌نمایی‌هایشان، مترجم را در رفع و زدودن کاستی‌ها یاری رسانند.

پیش گفتار

دهه‌ی ۱۹۲۰ سودا در نشریه‌ی *لارولوسسیون سوررنالیست* (انقلاب سوررنالیستی) در پند^۱ ما، پیش‌نهادهایی مبنی بر پژوهش درباره‌ی برخی موضوعات — نظیر عشق، خود^۲، عهد با شیطان — مطرح شد که وجه مشترک تمام آنها این بود که سویی حزب جدیدی نمی‌شود درباره‌ی آنها زد. اما پاسخ‌های آرتو^۳، کرول^۴، ناویل^۵، کرسن^۶ و بنوئل^۷ زوایای پنهان و گاه متعارضی را از این مضامین روشن کردند. به‌رغم گذشت حدود یک قرن،

* تمام زیرنویس‌ها از مترجم است. در مواردی که در متن اصلی طلبی به صورت زیرنویس ارائه شده باشد، عدد مربوط به آن در داخل پرانتز و خود مطلب در پایان مقاله آورده شده است.

۱. Antonin Artaud شاعر، بازیگر و نظریه‌پرداز تئاتر فرانسه (۱۸۹۶-۱۹۴۸ م) وی را بنیان‌گذار نظریه‌های تئاتر خشونت و پست‌مدرنیسم در تئاتر می‌دانند.
۲. René Crevel شاعر و نویسنده‌ی دادانیست فرانسوی (۱۹۰۰-۱۹۳۵ م).
۳. Pierre Naville سیاستمدار، جامعه‌شناس و نویسنده‌ی سوررنالیست فرانسوی (۱۹۰۰-۱۹۹۳ م).

۴. Max Ernst نقاش و پیکرتراش آلمانی (۱۸۹۱-۱۹۷۶ م).

۵. Luis Buñuel کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس سوررنالیست اسپانیایی (۱۹۰۰-۱۹۸۳ م). سگ ولگرد، جذابیت پنهان بورژوازی و میل مبهم موس از مشهورترین فیلم‌های اوست.

هنوز هم حیرت‌انگیز به نظر می‌رسند. با چنین الگویی در ذهن، فکر انتشار این کتاب با طرح پرسش زیر شکل گرفت:

این گونه که از ظواهر امر پیداست، واژه‌ی "دموکراسی" امروزه با اتفاق‌نظر و اجماعی به شدت گسترده همراه است. بی‌شک، بحث و جدل‌هایی گاه برخاسته‌گانه درباره‌ی معنا یا معانی این واژه صورت می‌گیرد؛ اما در "دنیا" بی‌که ما در آن زندگی می‌کنیم، عموماً می‌پذیریم که بار معنایی مثبتی برای این واژه در نظر گرفته می‌شود. پرسش همین‌جاست: به زعم شما، این‌که خود را "دموکرات" بنامیم معنایی دارد؟ اگر پاسخ منفی است، چرا؟ و در صورتی که پاسخ مثبت است، بر اساس چه تفسیری از این واژه؟

ز میان فیلسوفانی که مورد پرسش قرار گرفتند، برخی از آنان از نویسندگان موسسه انتشارات لافابریک [ناشر کتاب حاضر] هستند. با برخی دیگر آشنایی ندارم، مگر به واسطه‌ی آثار و فعالیت‌هایی که نشان‌دهنده‌ی آن است که ایده‌هایشان درباره‌ی دموکراسی با گفتمان رایج همسو نیست. طبق پیش‌بینی و انتظار ما، پاسخ‌های آنان متناقض است و گاه متناقض. بنابراین در کتاب حاضر، نه تعریفی از دموکراسی ارائه می‌شود، و نه وجه کاربردی خاص آن در نظر است و نه حتی حکمی که یا علیه آن صادر می‌شود. در نتیجه، مقصود صرفاً این است که این واژه را به حال خود رها نکنیم، زیرا هم‌چنان محوری است که اصلی‌ترین تناقض‌گویی‌ها در باب سیاست حول آن می‌چرخد.